

## تحریم، حمله یا مذاکره؟

همزمان با تشدید حضور نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس، معاون البرداعی در تهران است تا برخی از ابهامات در مورد پرونده هسته‌ای ایران را روشن کند. سیاست‌های آتی آمریکا در قبال ایران موضوع مصاحبه با دکتر امیراحمدی است.



بنا بر اعلام وزارت خارجه آمریکا، واشنگتن در باره عناصر یک قطعنامه احتمالی با اعضای دائمی شورای امنیت در حال مذاکره است. اما چین و روسیه ممکن است با دور سوم تحریم علیه ایران مخالفت کنند. این دو کشور گفتگوهای ایران با اژانس بین المللی انرژی اتمی را گامی مثبت می‌دانند. آیا سفر دو روزه معاون اول آقای البرداعی به تهران را هم می‌توان به یک گشایش در کشمکش اتمی ایران تعبیر کرد؟

دکتر هوشنگ امیراحمدی استاد دانشگاه و تحلیلگر سیاسی در گفتگو با دویچه وله به پرسش‌هایی در این زمینه پاسخ داد.



دکتر هوشنگ امیراحمدی

دویچه وله: دعوت آقای لاریجانی از معاون اول آقای البرداعی برای سفر به ایران و بررسی حل مسایل باقیمانده برنامه‌ی هسته‌ای، چه اندازه می‌تواند مثمر ثمر باشد، در حالیکه انگلیس تهدید به سخت‌تر شدن تحریم‌ها در صورت ادامه‌ی سرپیچی از خواست سازمان ملل کرده است و آمریکا هم از طرف دیگر نسبت به منتفی نبودن اقدام نظامی علیه ایران سکوت می‌کند؟

هوشنگ امیراحمدی: البته نقش اژانس به تدریج کم‌رنگ‌تر از گذشته در این مناقشه شده است. این دعوت از معاون آقای البرداعی به نظر من بیشتر در جهت ایجاد حسن نیت و اعتمادسازی بین ایران و اژانس هست و ایران همچنان اعتقاد دارد و امیدوار است که اژانس نقش فعال‌تری را در پرونده‌ی هسته‌ای ایران بگیرد. اژانس در گذشته از ایران یکسری اطلاعات خواسته بود که بخشی را ایران داد و بخشی را هم اژانس اعتقاد دارد که هنوز داده نشده است. احتمالاً رفتن معاون البرداعی باعث می‌شود ایران شفافیت بیشتری را در ارتباط با بعضی از سوالاتی را که اژانس داشت، نشان بدهد.

برخی ناظران معتقدند ایران اصولاً تلاش می‌کند تا وقت بخرد. حتی تا زمانی که انتخابات جدید در آمریکا برگزار بشود و جریانه‌ها و جناحهای دیگر روی کار بیایند. آیا چنین سیاستی به فرض صحت اساساً کاربرد خواهد داشت؟

من نمی‌دانم صحت دارد یا نه، اما حتماً کاربرد نخواهد داشت. همانطور که ایران می‌خواهد وقت بخرد و برود جلو، آنها هم می‌دانند که ایران دارد چه کار می‌کند. من فکر می‌کنم که حل پرونده‌ی هسته‌ای ایران به حسن نیت و به اعتمادسازی نیاز دارد، نه اینکه طرفین به همدیگر کلک بزنند. من اعتقاد ندارم ایران درصدد وقت خریدن هست، برای اینکه این وقت خریدن کار مهمی انجام نمی‌دهد. تا همین الان که ایران ۵ سال وقت داشته، در ابتدای غنی‌سازی هست و هنوز یک راه بسیار طولانی در پیش دارد. بنابراین یک یا دو سال کار مهمی را برای ایران انجام نمی‌دهد.

برگردیم به بحث تهدیدهای موجود علیه ایران. الان اعلام شده که ناو هواپیمابر اینترپرایز از سوی نیروی دریایی آمریکا عازم خلیج فارس شده است. در بیانیه‌ی نیروی دریایی آمریکا گفته شده که اعزام این ناو به منظور رویارویی با رفتار گستاخانه، مختل‌کننده‌ی نظم و خشن برخی کشورهاست. چقدر می‌شود به این ترتیب با این گفته‌ها، امکان رویارویی نظامی آمریکا با ایران را جدی تلقی کرد؟

رویارویی نظامی ایران و آمریکا جدی‌ست. البته این یک رویارویی نخواهد بود، بلکه احتمالاً حمله‌ای خواهد بود از طرف آمریکا به ایران. برای اینکه ایران نه هدفش را دارد و نه برنامه‌اش را. آمریکایی‌ها در تحلیل نهایی گفته‌اند که اگر نتوانند از نظر دیپلماسی مشکل هسته‌ای ایران را حل کنند، آنوقت مجبور می‌شوند از زور نظامی استفاده کنند. اسراییلی‌ها هم اصرار زیادی دارند که این زور نظامی هرچه سریعتر انجام بشود و آخرین فرصتی را هم که به آمریکا داده‌اند تا آخر همین امسال، سال ۲۰۰۷، است. البته معنایش این نیست که حتماً این اتفاق می‌افتد، اما دولت آمریکا امروز سیاست‌اش در قبال ایران سیاست دیپلماسی زور هست، یعنی هم صحبت می‌کند و هم زور نشان می‌دهد و این دیپلماسی زور را هم وزارت خارجه و هم وزارت دفاع قبول دارد. اما دیپلماسی زور معنایش این نیست که از آن در تحلیل نهایی یک جنگ درست کنند. قضیه جنگ را به نظر من در کاخ سفید فقط آقای دیک چینی که معاون رییس جمهور هست، قبول دارد. نومحافظه‌کاران آمریکا از طریق خودشان و از طریق اسراییل و از طریق آقای چینی شدیداً مصر هستند. ولی به نظر من تا آخر همین امسال اتفاقی نخواهد افتاد.

آقای دکتر شما از قرار در کنفرانسی در "لیختن اشتاین" شرکت داشتید که نمایندگانی از ایران هم در آنجا بودند و بحث بر سر مسئله‌ی هسته‌ای ایران بود. توضیحی در این باره می‌دهید؟

متأسفانه نمی توانم در مورد افرادی که آنجا بودند و یا مخصوصا حرفهایی که این افراد زدند صحبت کنم چون قرار بر این نیست. ولی در مجموع می توانم بگویم این کنفرانسی بود که موسسه لیختن اشتاین دانشگاه برینستون برگزار کرد. کنفرانس بسته ای بود و ۴۵ نفر از تمام دنیا جمع شده بودند در این کنفرانس. منجمله یک نفر از مقامات رسمی ایران، از وزارت امور خارجه و یکی از مقامات رسمی آمریکا هم از مقر آژانس در وین آنجا بود. در کنفرانس دو گروه بودند. یک گروه اعتقاد داشت که اگر ایران غنی سازی را متوقف نکند، آمریکا حتما به ایران حمله نظامی می کند. تصادفا این عده بیشتر از نیروهای رسمی بودند، یعنی سفرای سابق یا وزیر امور خارجه سابق. نیروی دومی که بیشتر آکادمیک بودند اعتقاد داشتند که آمریکا از حمله نظامی برای ترساندن استفاده می کند و این حمله نظامی انجام نمی شود. ولی این گروه مشکوک این بود که نمی توانست جواب بدهد که اگر ایران غنی سازی را متوقف نکند، آنوقت آمریکا چه جوری می تواند با این جریان برخورد کند. اینها اعتقادشان این بود که احتمالا آمریکا با ایران سازش می کند که دسته ای اول قبول نداشتند...

#### خود شما جزو کدام دسته بودید؟

من اصولا اعتقاد دارم که آمریکا و اسرائیل برنامه ای حمله نظامی به ایران را دارند و اگر شرایط با همین روال جلو برود، امکان این اتفاق حتما هست.

#### در صحبت هایتان فرمودید تا سال ۲۰۰۸ عملی نخواهد شد!

بله تا ۲۰۰۸! البته من هیچوقت اعتقاد نداشتم که آمریکا برخوردی با ایران بکند که با عراق کرد، این تقریبا غیرممکن است که حمله نظامی زمینی بکند، تهران را بگیرد و از این حرفها. صحبت از دعوی نظامی یعنی دعوی هوایی و زدن یکسری هدفهای خاص از طریق هواست. من اعتقاد دارم امکان این زیاد است.